

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادّی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقرّرات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب **الگار غفاری** دانش‌آموخته‌ی مقطع **کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره** گرایش **خانواده** دانشکده‌ی **علوم تربیتی و روانشناسی** دانشگاه محقق اردبیلی به **شماره‌ی دانشجویی ۹۳۱۱۶۰۴۱۰۹** که در **تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۱۲** از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان: **«رابطه بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی و کیفیت زندگی زوجین»**

دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقرّرات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هر گونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فنّآوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقرّرات مربوطه رفتار نماید.

نام ونام خانوادگی دانشجو: **الگار غفاری**

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی
گروه آموزشی علوم تربیتی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی مشاوره گرایش خانواده

عنوان:

**رابطه بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی و کیفیت زندگی
زوجین**

استاد راهنما:

دکتر حسین قمری کیوی

استاد مشاور:

دکتر علی رضایی شریف

پژوهشگر:

الگار غفاری

تابستان ۱۳۹۵



دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی
گروه آموزشی علوم تربیتی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی مشاوره گرایش خانواده

عنوان:

**رابطه بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی و کیفیت زندگی
زوجین**

پژوهشگر:

الگار غفاری

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی

نام و نام خانوادگی	مرتبه‌ی علمی	سمت	امضاء
دکتر حسین قمری کیوی	استاد	استاد راهنما و رییس کمیته‌ی داوران	
دکتر علی رضایی شریف	استادیار	استاد مشاور	
دکتر عادل زاهد بابلان	دانشیار	داور	

تابستان ۱۳۹۵

تقدیم به :

**پدر و مادر و همسر بزرگوارم که در تمامی
مراحل زندگی حامی و مشوق من بوده اند.**

سپاسگزارى:

با تشكر و سپاس از اساتيد فرهيخته و

پرمايه ام كه

از محضر پر فيض تدريسشان، بهره ها

برده ام.

با امتنان بيكران از مساعدت هاى تمام

كسانى

كه در اين راه يار و همراه من بوده اند.

نام خانوادگی دانشجو:	غفاری	نام: الگار
عنوان پایان‌نامه: رابطه بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی و کیفیت زندگی زوجین		
استاد راهنما: دکتر حسین قمری کیوی		
استاد مشاور: دکتر علی رضایی شریف		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: مشاوره	
گرایش: خانواده	دانشگاه: محقق اردبیلی	
دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی	تاریخ دفاع: ۱۳۹۵/۰۷/۱۲	تعداد صفحات: ۱۱۰
چکیده:		
<p>هدف این پژوهش بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی و کیفیت زندگی زوجین بود. روش پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین شهر اردبیل در سال ۱۳۹۴ بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۱۰۰ زوج (۲۰۰ نفر) انتخاب شد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی، هوش هیجانی بار-ان، تمایز یافتگی و مقیاس تحریف‌های شناختی بین فردی استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چند گانه انجام شد. نتایج نشان داد میان هوش هیجانی و مؤلفه‌های مهارت‌های درون فردی، برون فردی، کنترل استرس و خلق عمومی با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه منفی معناداری وجود دارد. میان هوش هیجانی و مؤلفه‌های مهارت‌های درون فردی، سازگاری، کنترل استرس با کیفیت زندگی زوجین رابطه مثبت معناداری وجود دارد. میان تمایز یافتگی و مؤلفه‌های واکنش پذیری عاطفی و گریز عاطفی رابطه مثبت و میان جایگاه من با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه منفی معناداری وجود دارد. میان تمایز یافتگی و مؤلفه‌های واکنش پذیری عاطفی، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران رابطه منفی و میان جایگاه من با کیفیت زندگی زوجین رابطه مثبت معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد تمایز یافتگی و هوش هیجانی ۲۳ درصد توانایی پیش‌بینی کیفیت زندگی و ۳۰ درصد توانایی پیش‌بینی تحریف‌های شناختی زوجین را دارند. با توجه به این نتایج می‌توان بیان نمود که متغیرهای تمایز یافتگی و هوش هیجانی توانایی پیش‌بینی تحریف‌های شناختی و کیفیت زندگی زوجین را دارند.</p>		
کلید واژه‌ها: تمایز یافتگی، هوش هیجانی، تحریف‌های شناختی، کیفیت زندگی زوجین.		

فهرست مطالب

شماره و عنوان مطالب	صفحه
---------------------	------

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱-مقدمه.....	۲
۲-۱-بیان مسئله.....	۳
۳-۱-اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۶
۴-۱-اهداف پژوهش.....	۸
۴-۱-۱-اهداف کلی پژوهش.....	۸
۴-۲-اهداف جزئی پژوهش.....	۸
۵-۱-فرضیه‌های پژوهش.....	۹
۶-۱-سوالات پژوهش.....	۱۰
۷-۱-تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها.....	۱۰

فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش

۱-۲-مقدمه.....	۱۳
۲-۲-خانواده.....	۱۳
۳-۲-تمایز یافتگی.....	۱۹
۳-۲-۱-منابع شناخت از خود.....	۱۹
۳-۲-۲-مؤلفه تمایز خود.....	۲۰
۴-۲-هوش هیجانی.....	۲۷
۴-۲-۱-مبانی نظری هوش هیجانی.....	۲۷
۴-۲-۲-ابعاد هوش هیجانی.....	۲۹
۴-۲-۳-ابعاد هوش هیجانی از نظر گولمن.....	۲۹
۴-۲-۴-نظریه هوش هیجانی.....	۳۷
۴-۲-۵-دیدگاه‌های هوش هیجانی.....	۳۸
۴-۲-۶-هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن.....	۳۸

۴۱ ۷-۴-۲-هوش هیجانی و هوشبهر
۴۲ ۸-۴-۲-کاربرد هوش هیجانی
۴۳ ۹-۴-۲-عوامل موثر در هوش هیجانی
۴۵ ۵-۲-تحریف‌های شناختی
۴۶ ۱-۵-۲-تعریف تحریف شناختی
۴۶ ۲-۵-۲-انواع تحریف‌های شناختی
۵۵ ۳-۵-۲-تحریف‌های شناختی از دیدگاه مک کی
۵۵ ۴-۵-۲-پیامدهای خطاهای شناختی
۵۷ ۶-۲-کیفیت زندگی
۵۷ ۱-۶-۲-تاریخچه
۵۹ ۲-۶-۲-تعریف کیفیت زندگی
۶۰ ۳-۶-۲-رویکرد زیست شناختی مفهوم کیفیت زندگی
۶۱ ۴-۶-۲-رویکرد روانشناختی مفهوم کیفیت زندگی
۶۱ ۵-۶-۲-رویکرد جامعه شناسی به کیفیت زندگی
۶۵ ۶-۶-۲-دیدگاه بوم‌شناسی بر مفهوم کیفیت زندگی
۶۵ ۷-۶-۲-مدل‌های کیفیت زندگی
۶۸ ۸-۶-۲-سنجش کیفیت زندگی
۶۸ ۹-۶-۲-کیفیت زندگی وابسته به سلامت
۷۰ ۱۰-۶-۲-کیفیت زندگی زوجین
۷۲ ۱۱-۶-۲-عوامل ارتباطی
۷۳ ۷-۲-پیشینه پژوهش
۷۳ ۱-۷-۲-پیشینه داخلی پژوهش
۷۹ ۲-۷-۲-پیشینه خارجی پژوهش
۸۲ ۳-۷-۲-جمع‌بندی پیشینه پژوهش

فصل سوم: روش شناسی

۸۵ ۱-۳-مقدمه
۸۵ ۲-۳-روش پژوهش

۳-۳-جامعه آماری.....	۸۵
۳-۴-روش نمونه‌گیری و حجم نمونه	۸۵
۳-۵-ابزار گردآوری اطلاعات.....	۸۵
۳-۶-روش گردآوری اطلاعات.....	۸۸
۳-۷-روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها	۸۸

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل و بیان نتایج حاصل از تحقیق

۴-۱-مقدمه.....	۹۰
۴-۲-ویژگی‌های جمعیت شناختی.....	۹۰
۴-۳-یافته‌های توصیفی	۹۱
۴-۴-آمار استنباطی.....	۹۳

فصل پنجم: بحث و تفسیر و نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

۵-۱-بحث و نتیجه‌گیری.....	۱۰۰
۵-۲-نتیجه‌گیری کلی پژوهش.....	۱۰۶
۵-۳-محدودیت‌های پژوهش.....	۱۰۷
۵-۴-پیشنهادات پژوهش.....	۱۰۷
۵-۴-۱-پیشنهادات کاربردی پژوهش.....	۱۰۷
فهرست منابع و مآخذ	۱۰۹

فهرست جدول‌ها

شماره و عنوان جدول	صفحه
جدول (۱-۲): ابعاد هوش هیجانی از نظر گلمن (۲۰۰۱).....	۳۷
جدول (۱-۴): توزیع فراوانی نمونه‌های مورد مطالعه بر حسب میزان تحصیلات گروه مورد مطالعه.....	۹۰
جدول (۲-۴): میانگین و انحراف معیار سن نمونه‌های مورد مطالعه.....	۹۰
جدول (۳-۴): میانگین و انحراف معیار تمایز یافتگی خود.....	۹۱
جدول (۴-۴): میانگین و انحراف استاندارد مولفه‌های هوش هیجانی.....	۹۱
جدول (۵-۴): میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های تحریف‌های شناختی.....	۹۲
جدول (۶-۴): میانگین و انحراف معیار مولفه‌های کیفیت زندگی.....	۹۲
جدول (۷-۴): ضریب همبستگی پیرسون مولفه‌های هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی زوجین.....	۹۳
جدول (۸-۴): ضریب همبستگی پیرسون تمایز یافتگی با تحریف‌های شناختی زوجین.....	۹۴
جدول (۹-۴): ضریب همبستگی پیرسون مولفه‌های هوش هیجانی با کیفیت زندگی زوجین.....	۹۵
جدول (۱۰-۴): ضریب همبستگی پیرسون تمایز یافتگی با کیفیت زندگی زوجین.....	۹۶
جدول (۱۱-۴): نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه تمایز یافتگی و هوش هیجانی در پیش‌بینی کیفیت زندگی زوجین.....	۹۷
جدول (۱۲-۴): نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه تمایز یافتگی و هوش هیجانی در پیش‌بینی تحریف‌های شناختی زوجین.....	۹۸

فصل اول:

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

ازدواج پدیده ای مطلق و فارغ از بستر زمان و مکان نیست. در هر زمان و در هر جامعه چهره خاص دارد و با جامعه نیز دگرگون می‌شود در واقع ازدواج و گزینش همسر از مهمترین شاخص‌های تحرک اجتماعی در هر جامعه است (ایرانپور، ۱۳۹۰). این رابطه در زمره پیچیده‌ترین روابط انسانی است و ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد و بنابراین می‌توان گفت: هیچ یک از روابط انسانی دارای چنین ابعاد وسیع و متعدد نمی‌باشد (براتی، ۱۳۷۵). بنابراین تأثیر بسزایی بر کیفیت زندگی^۱ افراد می‌گذارد. کیفیت زندگی به معنی چگونگی زندگی است (باروفسکی^۲، ۲۰۱۱). در تعریف کیفیت زندگی نظریه‌های گوناگونی وجود دارد، ولی بطور کلی اغلب صاحب نظران در این زمینه توافق دارند که کیفیت زندگی حقایق مثبت و منفی زندگی را در کنار یکدیگر در نظر می‌گیرد. آنها کیفیت زندگی را یک مفهوم ذهنی^۳ و پویا^۴ قلمداد می‌نمایند. و از طرفی به اتفاق معتقدند که مفهومی چند بعدی است. کیفیت زندگی ابعاد متفاوت سلامت و آسایش جسمی، روانی و اجتماعی زندگی افراد را در برداشته و متأثر از تجربه شخص و درک او از زندگی است که با گذشت زمان تغییر می‌کند (نجات، ۱۳۸۷).

وجود کیفیت زندگی زوجین تحت تأثیر عوامل فردی، اجتماعی، شخصیتی و ... قرار دارد. در این بین وجود طرح‌ها یا اعتقادات مهم یک فرد که در حیطه تحریفات شناختی هستند، اهمیت بسزایی دارند. در واقع شناخت درست و مطابق با واقعیت عامل مهمی برای یافتن حقیقت و آگاه شدن از زوایای مثبت یک زندگی است. ناآگاهی و آگاهی نادرست و ناصواب، انسان را در تحلیل آنچه پیرامونش اتفاق می‌افتد دچار لغزش و اشتباه می‌کند. این امر در سازگاری و ناسازگاری افراد در جامعه تأثیر فراوانی دارد و می‌تواند همه زندگی را تحت الشعاع قرار دهد (حسین زاده، ۱۳۸۷).

1 - life quality
2 - Borfski
3 - subjective
4 - dynamic

هوش هیجانی^۱ اولین متغیری است که در این پژوهش ارتباط آن با کیفیت زندگی و تحریفات شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. هوش هیجانی به‌عنوان توانایی ظرفیت و مهارت ادراک، ارزیابی و مدیریت هیجان فرد، دیگران و یا گروهی از افراد توصیف شده است (ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۴). در واقع هوش هیجانی توانایی شخصی برای ارائه پاسخ به شیوه سازگارانه از لحاظ هیجانی است (سالوی^۲، ۲۰۰۰).

متغیر دیگری که در این پژوهش به ارتباط آن با کیفیت زندگی و تحریفات شناختی پرداخته می‌شود، تمایزیافتگی^۳ است. رسیدن به حدی از استقلال عاطفی که فرد بتواند در موقعیت‌های عاطفی و هیجانی، بدون غرق شدن در جو عاطفی آن موقعیت‌ها، به صورت خودمختار و عقلانی تصمیم‌گیری کند تمایز خود تعریف می‌شود. در سطح درون فردی، تمایز نایافتگی یا هم آمیختگی، زمانی رخ می‌دهد که اشخاص احساسات خود را از تفکرشان تفکیک نمی‌کنند و به جای آن در احساسات غرق می‌شوند. در سطح بین شخصی، شخص تمایز نایافته، تمایل دارد یا به طور کامل جذب احساسات دیگران شود و با جو عاطفی محیط حرکت کند و یا برعکس، علیه دیگران واکنش نشان دهد (جلسو و فریتز^۴، ۲۰۰۱) که این عامل با تأثیر بر تحریفات‌های شناختی افراد، می‌تواند کیفیت زندگی آنان را مختل نماید. لذا این پژوهش با هدف رابطه بین تمایزیافتگی و هوش هیجانی با تحریفات‌های شناختی و کیفیت زندگی زوجین صورت گرفت.

۱-۲- بیان مسئله

ازدواج به عنوان مهمترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد تأیید بوده است. دلایل اصلی ازدواج عمدتاً عشق و محبت، داشتن شریک و همراه در زندگی، ارضای نیازهای عاطفی- روانی و افزایش شادی و خشنودی است (ایرانپور، ۱۳۹۰). این رابطه در زمره پیچیده‌ترین روابط انسانی است و ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد (براتی، ۱۳۷۵) و به طبع آن کل زندگی و کیفیت زندگی طرفین را تحت پوشش قرار می‌دهد. یک توافق کلی وجود دارد که کیفیت زندگی متشکل از عوامل عینی و ذهنی است. مفهوم ذهنی کیفیت زندگی به این معنا است که حتماً باید توسط

1 - emotional intelligence

2 - Salovey

3 - differentiation

4 - Gelso & Fretz

خود شخص، براساس نظر او و نه فرد جایگزین تعیین گردد. مفهوم کیفیت زندگی بسیار گسترده بوده و با متغیرهای بسیاری ارتباط دارد. کیفیت زندگی مفاهیم عمده‌ای را که موجب رضایت کلی از زندگی می‌شود در بر می‌گیرد. این مفاهیم شامل سلامتی، مسکن مناسب، اشتغال، امنیت شخصی و خانوادگی می‌باشد (پترمن^۱، ۲۰۰۸).

کیفیت زندگی زوجین با عوامل بسیاری در ارتباط می‌باشد، یکی از این عوامل تحریف‌های شناختی می‌باشد. نتایج پژوهشی در تبیین یک مدل ساختاری عوامل شناختی و کیفیت زندگی نشان داد که هم برای مردان و هم زنان عوامل شناختی و نگرش‌ها یک رابطه علی و متوالی بر کیفیت رابطه زناشویی و پایداری ازدواج داشت (فریش^۲، ۲۰۰۶). طرح‌ها یا اعتقادات مهم یک فرد موضوع تحریفات شناختی هستند. بدلیل این که اغلب طرح‌ها از کودکی شروع می‌شوند، فرایندهای فکر که از این طرح‌ها پشتیبانی می‌کنند، شاید اشتباهات دوران کودکی را منعکس نمایند. تحریفات شناختی زمانی ظاهر می‌شود که پردازش اطلاعات غلط یا غیر مؤثر است. به عبارتی دیگر گاهی تجزیه و تحلیل اطلاعات در ذهن افراد تحریف می‌شود. این نوع تحریف‌ها که خطاها و تحریف‌های شناختی نامیده می‌شوند، به اشکال گوناگونی ظاهر می‌گردند. این تحریفات اگر متناوباً و به دفعات رخ دهند، می‌توانند منجر به ناراحتی‌ها یا اختلالات روان شناختی شوند (گولدین^۳ و همکاران، ۲۰۰۹).

مفهوم کیفیت زندگی و تحریف‌های شناختی بسیار گسترده بوده و با متغیرهای بسیاری ارتباط دارد. از جمله این متغیرها هوش هیجانی می‌باشد. در واقع موفقیت در زندگی شخصی و حرفه‌ای هر شخص به توانایی وی برای استدلال در مورد تجارب هیجانی، مسایل دارای بار عاطفی و ارائه پاسخ به شیوه سازگاران از لحاظ هیجانی نسبت به نتایج مبتنی از استدلال درباره گذشته، حال و آینده وابسته است (سالوی و همکاران، ۲۰۰۰). تحقیقات متعدد بر این موضوع تأکید دارد که امروزه صرف توسل به هوش عمومی به تنهایی برای تبیین موفقیت کافی نبوده و برای دستیابی به موفقیت، به چندین نوع هوش (از جمله هوش هیجانی) و کنترل هیجان‌ها نیاز می‌باشد (سالوی و همکاران، ۲۰۰۰). هوش هیجانی بیانگر آن است که در روابط اجتماعی و در بده و بستان‌های روانی و عاطفی در شرایط خاص چه عملی مناسب و چه عملی نامناسب است. یعنی اینکه فرد در شرایط مختلف بتواند امید را در خود همیشه زنده

1 - Peterman
2 - Frish
3 - Goldin

نگه دارد، با دیگران همدلی نماید، احساسات دیگران را بشنود، برای به دست آوردن پاداش بزرگتر، پاداش‌های کوچک را نادیده انگارد، نگذارد نگرانی قدرت تفکر و استدلال او را مختل نماید، در برابر مشکلات پایداری نماید و در همه حال انگیزه خود را حفظ نماید (خسرو جاوید، ۱۳۸۱). نتایج بررسی علی اکبری (۱۳۹۱) در خصوص رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین نشان داد که بین هوش هیجانی زنان با رضایت زناشویی آنان و همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به علاوه، هوش هیجانی زنان و همسرانشان ۳۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی زنان پژوهش و ۶ درصد از واریانس رضایت زناشویی همسران را تبیین می‌کند. همچنین گوکچن^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه تحریف شناختی با هوش هیجانی نشان داد بین تحریف شناختی و مؤلفه‌های رد فردی، انتظار رابطه غیر واقعی و برداشت اشتباه فردی با هوش هیجانی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به علاوه نتایج بررسی لاواکار^۲ و همکاران (۲۰۱۱) تحت عنوان بررسی رابطه هوش هیجانی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی زوجین، حاکی از رابطه معنادار بین هوش هیجانی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی زوجین بود. ساریکا^۳ و همکاران (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین هوش هیجانی با کیفیت زندگی زوجین وجود دارد. به شرحی که زوجینی که نمرات بالایی در هوش هیجانی دریافت کرده بودند، کیفیت زندگی بالاتری گزارش نمودند.

بسیاری از روانشناسان و خانواده درمانگران ویژگی‌های شخصیتی زوجین و کیفیت روابط بین اعضای اصلی را مهمترین عامل در رضایت و کیفیت زناشویی می‌دانند. با نفوذترین این دیدگاه‌ها، نظریه تمایز یافتگی است. در واقع تمایز یافتگی که یکی از مهمترین مفاهیم نظریه سیستم‌های خانواده است، میزان توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی و احساسی را نشان می‌دهد. افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب نمایند و در موقعیت‌های شدید عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیر ارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند. در مقابل، افراد تمایز نیافته که هویت تعریف شده‌ای ندارند، در تنش‌ها و مسائل بین شخصی موجود، همراه با موج

1 - Gökçen
2 - Lavalekar
3 - Sarika

عاطفی خانواده حرکت می‌کنند و در نتیجه اضطراب مزمن بالایی را تجربه کرده و مستعد مشکلات روانشناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند (هیپونیومی^۱ و همکاران، ۲۰۰۳). نتایج بررسی پیلانژ^۲ (۲۰۰۹) نشان داد که بین تمایز یافتگی بالا و رضایت زناشویی زوجین در مراحل مختلف زندگی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین سید موسوی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی با کیفیت زندگی در زوجین جوان، نشان داد بین صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی با کیفیت زندگی در زوجین جوان رابطه معنادار وجود دارد. به شرحی که صمیمیت زناشویی با کیفیت زندگی رابطه مثبت معنادار دارد و از بین مؤلفه‌های تمایز خود بین مقیاس جایگاه من و هم‌آمیختگی با دیگران با کیفیت زندگی رابطه مثبت و معنادار و بین واکنش هیجانی و گسلس عاطفی با کیفیت زندگی رابطه منفی معنادار وجود دارد. در تحقیقی آریا و آورا^۳ (۲۰۱۴) به بررسی مقایسه‌ای رابطه تمایز خود و رضایت از زندگی در میان زنان اسرائیلی (دیدگاه فرهنگی) پرداختند. براساس نتایج زنان عرب به سطوح بالاتری از واکنش عاطفی نسبت به زنان یهودی گزارش کردند. همچنین بین تمایز از خود و رضایت از زندگی رابطه معناداری در هر دو گروه مشاهده شد.

در نهایت با توجه به مطالب بیان شده این پژوهش کوششی در صدد پاسخگویی به این سؤال اساسی بود که آیا بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی و کیفیت زندگی زوجین رابطه معناداری وجود دارد؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

خانواده یک واحد به ظاهر کوچک اجتماعی از ارکان عمده و از نهادهای اصلی هر جامعه بشمار می‌رود، خانواده کانون صمیمانه‌ترین روابط میان افراد و مهد پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و روح انسانی به حساب می‌آید. ساخت خانواده و نظام اجتماعی در مقیاس وسیع بر روی ساخت کل جامعه منعکس می‌شود (براتی، ۱۳۷۵). ارتباط سالم در خانواده اساساً موجبات کمک، تسکین، التیام و آرامش افراد خانواده است و باعث تخفیف فشارهای روانی وارد شده بر اعضای خود می‌باشد و نیازهای جسمی و روانی آنها را برآورده می‌کند (ثنایی، ۱۳۷۰). صد البته در ایجاد و تقویت ارتباطات انسانی هر کدام از افراد خانواده مؤثر خواهند بود. به دیگر سخن محیط روانی خانواده را می‌توان خمیر مایه هیجان‌ات و ارتباطاتی دانست که هر یک از افراد خانواده در آن سهمی داشته و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. لذا با

1 - Heponiemi
2 - Pelage
3 - Aya & Ora

توجه به اهمیتی که صاحب نظران و نظریه پردازان مسائل خانواده و روابط بین زن و شوهر به مسائل ارتباطی قائل می شوند و ارتباط انسانی در خانواده را موجب سلامت و بهداشت روانی اعضای آن می دانند، بررسی و تحقیق بر روی عواملی که ارتباطات و کیفیت زندگی زوجین و خانواده را تهدید می کند کاملاً لازم و ضروری به نظر می رسد و نیز انگیزه محقق برای انجام چنین پژوهشی می باشد. چرا که متأسفانه امروزه مشکلات زیادی در مقایسه با گذشته گریبانگیر روابط بین زوجین بوده و تداوم زندگی را به چالش کشیده است به طوری که براساس نتایج مطالعات در ایران نیز، مشکلات زناشویی جزء مسائل حاد جامعه به شمار می رود. بررسی آمار موجود نیز نشان دهنده روند رو به رشد آمار مشکلات زناشویی و طلاق در کشور است بطوری که از ۶/۳ در ۱۰۰۰۰ نفر در سال ۷۵ به ۹/۴ در ۱۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است (طباطبائی، ۱۳۹۱).

علاوه بر این وجود تحریف های شناختی می تواند یکی از عوامل اساسی اختلاف در بین زوجین باشد. بنابراین یکی دیگر از موارد اهمیت و ضرورت انجام چنین پژوهشی بررسی نقش عوامل روانشناختی مانند تمایز خود و هوش هیجانی می باشد؛ چرا که استدلال در مورد تجارب هیجانی، مسایل دارای بار عاطفی و ارایه پاسخ به شیوه سازگارانه از لحاظ هیجانی نسبت به مسائل استدلال شده (هوش هیجانی) زوجین می تواند در پیدایش تحریف های شناختی نقش داشته باشد؛ و در صورت وجود چنین تأثیر و رابطه ای، می توان تدابیری برای تصحیح و آموزش چنین متغیرهایی در زوجین اندیشید تا علاوه بر تأثیرگذاری بر کاهش تحریف های شناختی، موجب افزایش کیفیت زندگی نیز شود.

در نهایت با توجه به اینکه تاکنون پژوهش زیادی در این راستا صورت نگرفته است، نتایج این بررسی می تواند راهگشای پژوهش های آتی در این زمینه بوده و همچنین مورد استفاده مشاوران، روانشناسان و... قرار گیرد تا بتوانند با راهنمایی های مناسب از بروز بسیاری از مشکلات زناشویی جلوگیری کرده، بنیان خانواده را استحکام بخشند. بنابراین پژوهش حاضر در راستای اهمیت و ضرورت های بیان شده، تحت عنوان بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با تحریف های شناختی و کیفیت زندگی زوجین صورت گرفت.

۱-۴-اهداف پژوهش

۱-۴-۱-اهداف کلی پژوهش

۱. تعیین رابطه بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی زوجین
۲. تعیین رابطه بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با کیفیت زندگی زوجین

۱-۴-۲-اهداف جزئی پژوهش

۱. بررسی رابطه میان مهارت‌های درون فردی با تحریف‌های شناختی زوجین
۲. بررسی رابطه میان مهارت‌های برون فردی با تحریف‌های شناختی زوجین
۳. بررسی رابطه میان سازگاری با تحریف‌های شناختی زوجین
۴. بررسی رابطه میان کنترل استرس با تحریف‌های شناختی زوجین
۵. بررسی رابطه میان خلق عمومی با تحریف‌های شناختی زوجین
۶. بررسی رابطه میان واکنش پذیری عاطفی با تحریف‌های شناختی زوجین
۷. بررسی رابطه میان جایگاه من با تحریف‌های شناختی زوجین
۸. بررسی رابطه میان گریز عاطفی با تحریف‌های شناختی زوجین
۹. بررسی رابطه میان هم آمیختگی با دیگران با تحریف‌های شناختی زوجین
۱۰. بررسی رابطه میان مهارت‌های درون فردی با کیفیت زندگی زوجین
۱۱. بررسی رابطه میان مهارت‌های برون فردی با کیفیت زندگی زوجین
۱۲. بررسی رابطه میان سازگاری با کیفیت زندگی زوجین
۱۳. بررسی رابطه میان کنترل استرس با کیفیت زندگی زوجین
۱۴. بررسی رابطه میان خلق عمومی با کیفیت زندگی زوجین
۱۵. بررسی رابطه میان واکنش پذیری عاطفی با کیفیت زندگی زوجین
۱۶. بررسی رابطه میان جایگاه من با کیفیت زندگی زوجین
۱۷. بررسی رابطه میان گریز عاطفی با کیفیت زندگی زوجین
۱۸. بررسی رابطه میان هم آمیختگی با دیگران با کیفیت زندگی زوجین

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش

۱. میان هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۱-۱- میان مهارت‌های درون فردی با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۲-۱- میان مهارت‌های برون فردی با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۳-۱- میان سازگاری با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۴-۱- میان کنترل استرس با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۵-۱- میان خلق عمومی با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
- ۲- میان تمایز یافتگی با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۱-۲- میان واکنش‌پذیری عاطفی با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۲-۲- میان جایگاه من با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۳-۲- میان گریز عاطفی با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۴-۲- میان هم‌آمیختگی با دیگران با تحریف‌های شناختی زوجین رابطه وجود دارد.
- ۳- میان هوش هیجانی با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۱-۳- میان مهارت‌های درون فردی با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۲-۳- میان مهارت‌های برون فردی با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۳-۳- میان سازگاری با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۴-۳- میان کنترل استرس با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۵-۳- میان خلق عمومی با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
- ۴- میان تمایز یافتگی با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۱-۴- میان واکنش‌پذیری عاطفی با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۲-۴- میان جایگاه من با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۳-۴- میان گریز عاطفی با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.
 - ۴-۴- میان هم‌آمیختگی با دیگران با کیفیت زندگی زوجین رابطه وجود دارد.

۱-۶-سوالات پژوهش

۱. سهم هریک از متغیرهای تمایزیافتگی و هوش هیجانی در پیش‌بینی کیفیت زندگی زوجین چقدر می‌باشد؟

۲. سهم هریک از متغیرهای تمایزیافتگی و هوش هیجانی در پیش‌بینی تحریف‌های شناختی زوجین چقدر می‌باشد؟

۱-۷-تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

کیفیت زندگی:

براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی: کیفیت زندگی درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌هایشان است. پس موضوعی کاملاً ذهنی بوده و توسط دیگران قابل مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه‌های مختلف زندگی استوار است (بونومی، پاتریک و بوشنل^۱، ۲۰۰۰). منظور از کیفیت زندگی در این پژوهش نمره‌ای است که آزمودنی‌ها در پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (نجات، ۱۳۸۷) کسب کردند. مقیاس اندازه‌گیری این متغیر فاصله‌ای است.

تحریف شناختی:

طرح‌ها یا اعتقادات مهم یک فرد موضوع تحریفات شناختی هستند. بدلیل این که اغلب طرح‌ها از کودکی شروع می‌شوند، فرایندهای فکر که از این طرح پشتیبانی می‌کنند، شاید اشتباهات دوران کودکی را منعکس نمایند. تحریفات شناختی زمانی ظاهر می‌شود که پردازش اطلاعات غلط یا غیر مؤثر است. به عبارت دیگر، گاهی تجزیه و تحلیل اطلاعات در ذهن افراد تحریف می‌شود. این نوع تحریف‌ها که خطاها و تحریف‌های شناختی نامیده می‌شوند، به اشکال گوناگونی ظاهر می‌گردند. این تحریفات اگر متناوباً و به دفعات رخ دهند، می‌توانند منجر به ناراحتی‌ها یا اختلالات روان‌شناختی و رفتارهای نابهنجار مانند مصرف مواد شوندا (گولدین^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). منظور از تحریف شناختی در این پژوهش، میزان

1 - Bonomi, Patrice, & Bushnell

2 - Goldin

نمره‌ای است که هر آزمودنی در مقیاس تحریف‌های شناختی بین فردی (حمام سی و بویوک اوزتورک، ۲۰۰۴) کسب می‌کند. مقیاس اندازه‌گیری این متغیر فاصله‌ای است.

هوش هیجانی:

عبارت است از مجموعه‌ای از دانش‌ها و توانایی‌های هیجانی و اجتماعی که قابلیت کلی ما را در پاسخ به نیازهای محیطی به طور مؤثری تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین هوش هیجانی یک مهارت اجتماعی است که به معنای سهولت برقرار کردن ارتباط با مردم و کنترل هیجان‌های خویش در رابطه با دیگران و توانایی تشویق و هدایت آنان است (بار-ان^۱، ۲۰۰۰). منظور از هوش هیجانی در این پژوهش نمره‌ای است که آزمودنی از آزمون هوش هیجانی بار-ان (۱۹۹۴) بدست می‌آورد. مقیاس اندازه‌گیری این متغیر فاصله‌ای است.

تمایز یافتگی:

تمایز یافتگی میزان توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی و احساسی را نشان می‌دهد. افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب نمایند و در موقعیت‌های شدید عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند (هیپونومی، ۲۰۰۳). منظور از تمایز خود در این پژوهش، میزان نمره‌ای است که هر آزمودنی در پرسشنامه تمایز یافتگی (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸) کسب می‌کند. مقیاس اندازه‌گیری این متغیر فاصله‌ای است.

فصل دوم:

ادبیات و پیشینه پژوهش

۲-۱- مقدمه

این فصل شامل سه بخش می‌باشد. در بخش اول اشاره کوتاهی به خانواده و زوجین می‌گردد. در بخش دوم به متغیرهای تمایز یافتگی، هوش هیجانی، تحریف‌های شناختی و کیفیت زندگی پرداخته می‌شود و در قسمت سوم به پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با موضوع اشاره می‌شود.

۲-۲- خانواده

حیات هر کس و هر چیزی مستلزم داشتن هدف و جهت است، بدون داشتن هدف زندگی معنا نخواهد داشت، یکی از مراحل هدفمند زندگی ازدواج است و خانواده یکی از ارکان اجتماعی و عاملی است که زمینه‌ساز بهداشت روانی جامعه و نسل آینده می‌باشد. سلامت خانواده در گروی تداوم و سلامت رابطه بین زن و شوهر است و رابطه زناشویی هسته‌ی مرکزی نظام خانواده است. پس رضایت فرد از رابطه‌ی زناشویی به منزله‌ی رضایت وی از خانواده است. انسان موجودی اجتماعی است که برای تأمین نیازهای خود تشکیل گروه می‌دهد و خانواده یکی از طبیعی‌ترین گروه‌هاست که می‌تواند نیازهای وی را مرتفع کند. خانواده به عنوان واحد عاطفی - اجتماعی کانون رشد و تکامل، التیام و شفادهنگی، تغییر و تحول، آسیب‌ها (بیماری‌ها) و عوارضی است که هم بستر شکوفایی و هم فروپاشی روابط میان اعضایش می‌باشد. همچنین خانواده نهاد و شالوده‌ی اساسی در ساختار اجتماعی جوامع است که سلامت یا عدم سلامت آن، قوام یا فروپاشی جامعه را در پی دارد (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۱، ۱۹۹۶؛ به نقل از ایرانپور، ۱۳۹۱).

1. Goldenberg & Goldenberg

خانواده عامل همبستگی، شرط تعادل اجتماعی و هسته‌ی اصلی جامعه است. در خانواده شخص آداب معاشرت اجتماعی و همیاری و همکاری را می‌آموزد؛ خانواده وارث و بستری مناسب برای انتقال آن به نسل‌های آینده و شخصیت دادن به اعضای خود می‌باشد. در خانواده فرد خود را متعلق به مجموعه‌ای که مختص اوست، می‌داند. به گفته‌ی مینوچین (ثنایی، ۱۳۸۸) «افراد هویت خود را از راه خانواده احراز می‌کنند.» تأثیر خانواده در برنامه‌ریزی اعضای خود بسیار زیاد است به گونه‌ای که کودک تا پنج سال نخست زندگی در خانواده حدود ۲۵۰۰۰ ساعت برنامه‌ریزی می‌شود (ثنایی، ۱۳۸۸)، لذا با توجه به تعامل‌های مستمری که اعضای خانواده از یک سو با اعضای خود و از سوی دیگر با اجتماع دارند، بنظر می‌رسد کانون اصلی سلامت یا پاتولوژی (بیماری) اعضای خود باشد.

خانواده از مهمترین نهادهای جامعه است که هر چه با دوام‌تر و محکم‌تر باشد جامعه نیز به تبع آن استوارتر و پایدارتر می‌شود. بر اساس دیدگاه اصالت وجود که به دشواری درست زندگی کردن در دنیای امروز تأکید می‌کند، انسانها در تلاش خود جهت به دست آوردن آسایش مادی که تکنولوژی پیشرفته به آنها عرضه کرده است پیوندهای خود را با خانواده و مذهب از دست می‌دهند، بنابراین در برابر الزامات همنوایی اجتماعی فاقد ارزشهای حفظ‌کننده می‌شوند و دیگر انتخاب نمی‌کنند بلکه پیروی و تبعیت کرده و در نتیجه خود واقعی خود را انکار کرده و دچار نوعی مرگ معنوی شده و احساس بی‌معنایی در زندگی می‌کنند. در واقع هر خانواده را باید سنگ زیر بنای جامعه و کانون اصلی سنت، رسوم و ارزشهای والا و مورد احترام و شالوده‌ مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی، مبداء بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط میان افراد و مهد پرورش فکر، اندیشه، اخلاق و تعالی روح انسانی به حساب آورد. در واقع خانواده نه تنها محل تأمین نیازهای عاطفی، مادی، تکاملی و معنوی اعضای خود است بلکه مبداء بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی نیز هست و از آنجا که سلامت و بالندگی جامعه در گرو رشد و سلامت خانواده است، هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نیامده است (منصوری، ۱۳۸۵). از آنجا که خانواده واحد اساسی جامعه می‌باشد بنابراین بقاء جامعه مستلزم بقاء خانواده است. هستی و حیات افراد از سوی خانواده و در خانواده است و هستی و قوام جامعه نیز به تشکل افراد بستگی دارد. از طرفی وجود محیط گرم و روح افزا و بالقوه خانواده امنیت خاطر هر یک از افراد خانواده را بیشتر می‌کند و تکیه گاه مطمئنی برای ایجاد سکون و آرامش افراد خواهد بود. عدم یا کاهش امنیت در خانواده و بی‌توجهی به نیازهای

عاطفی اعضاء می‌تواند زمینه ساز اضطراب، افسردگی، سرخوردگی، عدم اعتماد به‌نفس و احساس بی‌کفایتی افزایش جرم و جنایت، انحرافات اخلاقی و سرانجام اعتیاد و خودکشی شود. خانواده‌هسته‌ای متشکل از زن و شوهر و یک یا چند فرزند است که روابط اعضا آن در چارچوب نظام همسرگزینی (روابط زناشویی)، نظام ارتباط متقابل والدین و کودک و نظام برادر و خواهری چنان شکل می‌گیرد که افراد بتوانند نیازهای یکدیگر را بر آورند. بنابراین خانواده واحدی است که نقشهای اجتماعی متعددی را بر عهده دارد و ارتباط متقابل اعضا آن بر مبنای بنیادها و نیازهای فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد. فرد در دوران زندگی به دو خانواده - یکی خانواده‌ای که در آن متولد می‌شود و پرورش می‌یابد و دیگری خانواده‌ای که با همسرگزینی (ازدواج) بوجود می‌آید - تعلق دارد و در قبال آنها تعهدات و وظایفی بر عهده دارد. خانواده به عنوان یک گروه اجتماعی در برگیرنده بیشترین، عمیق‌ترین و اساسی‌ترین مناسبات انسانی است و علاوه بر آن که منبع اولیه نیازهای اساسی فرد محسوب می‌شود، موقعیت‌های متعدد را برای یادگیری و شکل‌گیری نگرشها و تشکیل باورهای اساسی یک فرد فراهم می‌آورد که برای زندگی اجتماعی و بهره‌وری از میراث فرهنگی و انتقال آن حائز اهمیت است. خانواده یک گروه صرفاً قراردادی نیست، بلکه یک واحد اجتماعی اولیه از مناسبات انسانی است و مبتنی بر پیوندهایی است که ریشه در طبیعت و فطرت انسان دارند (استون، استون، ۱۹۹۰؛ ترجمه اخوان، ۱۳۷۰).

خانواده به عنوان یک واحد و سازمان اجتماعی دارای نقش‌ها و وظایف متعددی است. یک خانواده می‌تواند نقش تولیدی و نیز خدماتی را برای خود و تعدادی از افراد اجتماع ایفاء کند. نقش آموزشی و تربیتی خانواده نیز مشخص و مسلم است. علاوه بر این نقش‌ها، خانواده در رفع نیازهای جسمانی و روانی اعضایش نقش غیر قابل انکاری بر عهده دارد. خانواده در رابطه با نظام ارزشی جامعه نیز نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند، چرا که مهمترین واحد انتقال‌دهنده ارزش‌ها به فرد است. در محیط خانواده کودک نیازها و خواست‌های جامعه را می‌آموزد و این شناخت او را به گزینش رفتارهای معین و می‌دارد و شخصیت وی را غنی می‌سازد. اجتماعی شدن فرد از خانواده شروع می‌شود و با ورود به سایر گروه‌های اجتماعی تداوم می‌یابد.

راپاپورت^۱ مراحل ازدواج را به سه دوره برقراری عهد و پیمان ازدواج، شروع ازدواج و دوره اولیه ازدواج طبقه‌بندی می‌کند. وی اعتقاد دارد که اجرای نقش‌های فردی و زوجی در دوره‌های اول و دوم

1. Rapaport

ازدواج پایه و اساس واحد جدید خانواده در آینده به شمار می‌آید. راپاپورت برای مقابله با انتقال از دوره نامزدی به دوره ازدواج، وظایف زیر را برای طرفین در نظر می‌گیرد (استون، استون، ۱۹۹۰؛ ترجمه اخوان، ۱۳۷۰).

اولین وظیفه، جایگزینی نقش زناشویی با نقش قبلی است. دومین وظیفه زوجین در دوران نامزدی و پیش از عقد ازدواج که باید به آن متعهد باشند، تعیین حدود ثغور ارتباطات جدید و بررسی صلاحیت و شایستگی طرفین است که در صورت ناکامی طرفین در اجرای نقشهای این دوره، راه و روش زندگی زناشویی آتی با تضادهای گوناگون مواجه خواهد شد. سومین وظیفه، برقراری انگیزه اجرای نقشهای خانوادگی است که در این خصوص ضرورت دارد طرفین از یکدیگر راضی بوده، از لذاذ متقابل زندگی برخوردار باشند (استون، استون، ۱۹۹۰؛ ترجمه اخوان، ۱۳۷۰).

راسل^۱ معتقد است هر قدر قیود و تعهدات ازدواج محکم‌تر باشد، بحران‌های زندگی زناشویی کمتر و سطح اخلاقیات بالاتر است. همچنین هر قدر مشکلات دوره زندگی قبل از ازدواج کمتر باشد، زندگی زناشویی از نظم و ترتیب بیشتری برخوردار است. با توجه به اینکه رفتار هر فرد در خانواده دارای کنش آشکار و پنهان است و هر یک از این رفتارها می‌تواند در ایجاد تعادل و بهبود روابط خانوادگی، افزایش تحمل اجتماعی و در نتیجه، سامان یافتگی نظام اجتماعی مؤثر باشد، بنابراین شناخت ابعاد رفتار از دو زاویه بزرگ شناختی و عاطفی یا به عبارت دقیق‌تر، شناخت شخصیت زوجین ضروری است. از زاویه روانشناختی، ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر در حکم عوامل اساسی تحکیم خانواده یا به عکس به منزله عوامل فروپاشی آن محسوب می‌شوند.

خانواده از جمله نهادهای مهم اجتماعی است که به لحاظ اهمیت، نقش و کارکردهای مختلف مورد توجه علمای مذهبی، اجتماعی و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و روانشناسی قرار گرفته است. لذا اهمیت شناخت و بررسی عواملی که سبب قوام و استحکام این نهاد اجتماعی می‌گردند می‌تواند گامی مفید در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه باشد. عوامل مختلفی بر استحکام و دوام خانواده تأثیر می‌گذارند که از جمله آنها رضایت بین زوجین است (کرمانی، ۱۳۸۸). اگر بخواهیم به اجمال اهمیت خانواده را مورد بررسی قرار دهیم، لازم است که از دو منظر به آن توجه کنیم: نخستین جنبه از اهمیت خانواده اثری است که بر اجتماع بزرگتر یا به عبارت دیگر ساخت کلی جامعه می‌گذارد به

1. Russele

Title of Thesis: The relationship between differentiation and emotional intelligence and cognitive distortions and quality of life in couples	
Supervisor: Hossein Ghamari Kivi	
Advisor: Ali Rezayi Sharif	
Graduate Degree M.A.	
Major: Counseling	Specialty: Family
University: Mohaghegh Ardabili	Faculty: Educational Sciences & Psychology
Graduation date:	Number of pages: 110
<p>Abstract:</p> <p>The aim of this study was to investigate the relationship between differentiation and emotional intelligence and cognitive distortions and quality of life in couples. The research method was descriptive, correlational. The study population consisted of all couples in 1394 in Ardabil city that 100 couples (200 individuals) were selected with multistage cluster sampling method. To collect information, the World Health Organization Quality of Life questionnaire, Bar-on emotional intelligence, interpersonal cognitive distortions differentiation scales were used. Data analysis using Pearson correlation and Multiple Regression were done. The results showed that there is a significant negative relationship between emotional intelligence and interpersonal and intrapersonal skills components, stress management and general mood with cognitive distortions of couples and there is a significant positive relationship between emotional intelligence and components interpersonal skills, adaptability, stress management and there is a significant positive relationship between differentiation and components of emotional reactivity, self- place and emotional getaway of cognitive distortions of couples and there is a negative significant relationship between differentiation and components of emotional reactivity, emotional escape and fusion with others with quality of life couples. Multiple regression analysis showed that differentiation and emotional intelligence can predict 23% of quality of life and it is able to predict 30% of cognitive distortions of couples. According to these results, it can be concluded that the variables of differentiation and emotional intelligence are able to predict cognitive distortions and quality of life in couples and it needs to programs to improve these variables.</p>	
Keywords: differentiation, emotional intelligence, cognitive distortions, quality of life.	



University of Mohaghegh Ardabili

Faculty of Educational Sciences & Psychology

Department of Educational Sciences

Thesis is approved for the degree of M.A.

In Family Counseling

Title:

The relationship between differentiation and emotional intelligence and cognitive distortions and quality of life in couples

By:

Elgar Ghafari

Evaluated and approved by thesis committee as:

Name & Family	Degree	Responsibility	Signature
H. Ghamari Kivi	Professor	Supervisor & Chairman	
A. Rezayi Sharif	Assistant Professor	Advisor	
A.Zahed Babolan	Associate Professor	Referrri	

Sep – 2016



University of Mohaghegh Ardabili

Faculty of Educational Sciences & Psychology

Department of Educational Sciences

Thesis is approved for the degree of M.A.

In Family Counseling

Title:

The relationship between differentiation and emotional intelligence and cognitive distortions and quality of life in couples

Supervisor:

Hossein Ghamari Kivi (Ph. D)

Advisor:

Ali Rezai Sharif

By:

Elgar Ghafari

Sep-2016